



## یادداشت

### خیزش آبان و کابوس حکومت از تکرار آن در ابعادی وسیعتر!

صادق کار



خیزش مردمی آبان ۹۸ به فرمان خامنه‌ای و دیگر سرکردگان حکومت با شیوه های بغایت ددمنشانه سرکوب شد.

صدها تن از جوانان سلحشور و عدالتخواه که اکثرشان از محلات محروم و فقیرنشین شهرهای مختلف بودند در جریان سرکوب آن قتل عام یا در زندانها زیر شکنجه کشته شدند. با وجود گذشت یک سال از خیزش سرکوب فعالان آن همچنان ادامه دارد و پاسداران صاحبان قدرت و سرمایه می کوشند با صدور احکام اعدام برای فعالانی که در هنگام جنبش دستگیر شده‌اند در میان مردم هراس افکنی نمایند بلکه مردم را تکرار آن بازدارد.

اضطراب و هراس از خیزش دوباره مردم چون کابوسی هولناک از آن زمان تا کنون سراپای سرکردگان اصلی حکومت را در بر گرفته است و هرچه به سالگرد آن نزدیکتر می شویم بر هراس آنان افزوده می شود. آنچنان که قادر به پنهان کردن آن نیستند و با دستپاچگی برای جلوگیری از وقوع جنبشی دیگر به هر جنایتی متوسل می شوند. عده‌ای نیز که فهمیده‌اند اوضاع حکومت آشفته تر از آن است که بتواند بهمین شکل دوام بیاورد و دیر نیست روزی که مسببان سرکوب پای میز محاکمه نشانده شوند، هریک به صورتی ابلهانه و فرصت طلبانه سعی می کنند دیگری را در سرکوب خیزش آبان و ایجاد شرایطی که به آن منجر شد مقصر جلوه دهند و نقش و سهم خودشان را از جنایتی که بر مردم اعمال کرده‌اند انکار و وابستگان به جناح رقیبشان را برای نجات خود قربانی نمایند!

جنبش را ظاهراً سرکوب کرده‌اند. اما می بینند که نفرت و رویگردانی مردم از حکومت در همین مدت چند برابر شده است. بحرانها به رغم سرکوب خیزش آبان و اعتراضات بعدی تشدید شده‌اند و مردم به تنگ آمده از وضعیت حاکم با جسارت بیشتری به مبارزه با حکومت و حق خواهی برخاسته‌اند. از یکسو سرکوبها را تشدید و فشارها را بیشتر کرده‌اند، از سوی دیگر سعی دارند با دادن وعده‌های نسیه به مردم جنبش اجتماعی بزرگی را که به وسعت ایران در راه است به تعویق بیندازند، بلکه فرجی از راه برسد. خودشان هم می دانند که جنبش دیگری در راه است



و دیگر نمی توانند مانند ۸۸، ۹۶ و ۹۸ آنرا سرکوب یا مهار کنند. از طرف دیگر نمی توانند از قدرت و سرمایه هایی که با استفاده از رانت قدرت غارت کرده اند دل برکنند و حکومت را به مردم بسپارند.

هم از این روست که نمایندگان مجلسی که از همیشه فرمایشی تر است و سردار فاسدی که با ۱۰ درصد رای مردم بر صدر آن نشست است، تلاش می کنند با وعده دادن کمک های معیشتی، مانند لایحه "کالا برگ" و تظاهر به عدالتخواهی و مبارزه با فقر، بالغ بر ۶۰ میلیون جمعیت به زیر خط فقر و بقا رانده شده را از خلق جنبشی دیگر بازدارند. حملات همه روزه آنها و دیگر مخالفان حکومتی روحانی به دولت و دارودسته روحانی به جهت این است که همه تقصیر ها را به گردن آنها بیندازند و خودشان را بی تقصیر و مخالف برنامه هایی که به وضع موجود ختم شده جا بزنند. اما شرکت ۱۰ درصدی مردم در انتخابات مجلس به وضوح نشان داد که بیزاری مردم از حکومت شامل همه جناحهاست. مردم با تحریم انتخابات همان شعار معروف و دقیق "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگر تمام شد ماجرا" را که مردم در جریان خیزش سال گذشته سر داده بودند، با تحریم انتخابات مجلس و میان دوره ای و با گسترش اعتراضات و اعتصابات شان عملی کردند.

این روزها خودشان هم این طرف و آن طرف اذعان می کنند خیزش ۸۸ در حال تبدیل شدن به یک انقلاب غیر قابل مهار بود. عنصر فاسد و مرتجعی مانند محمد رضا باهنر که خودش سهم بزرگی در خلق وضعیت امروزی مردم داشته و دارد در مصاحبه ای که در میانه این هفته با "ایلنا" انجام داد گریزی هم به دلایل خیزش آبان زد و گفت: "موضوع فقط بنزین نبود، مردم پیش از آن از همه چیز ناراضی بودند. در آن شورش در صورت پیوستن قاطبه مردم به معترضین انقلاب مخملی رخ می داد. مطالبات مردم تبدیل به بشکه ای باروت شده بود که نیاز به یک چاشنی داشت". خامنه ای، روحانی و سرکردگان دیگر حکومت برای اینکه بتوانند سرکوب سعبانه شرکت کنندگان در خیزش را توجیه نمایند، آنها را متهم به وابستگی به ترامپ کردند. مضمون اظهارات باهنر بی ربط بودن این اتهامات را برملا می کند. همچنین سخنان وی به قدر کافی حاکی از دشواری های است که حکومت در سرکوب خیزشهای در حد و وسعت خیزش آبان دارد. این به معنای آن است که حکومت توان در هم شکستن جنبش و سعیتری را ندارد. گستردگی ابعاد سرکوب و خشونت کم ماندی که با دستگیرشدگان توسط نیروهای سرکوبگر حکومت صورت گرفت و هم اکنون نیز جریان دارد حاکی از ضعف حکومت در مقابل جنبشهای مردمی است. اصولا سرکوب نشانه ضعف هر حکومتی است. حکومتی که بطور واقعی قدرت داشته باشد نیازی به سرکوب پیدا نمی کند.

بازداشتهای گزینشی اخیر که چهرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوق بشری، دانشجویی و سندیکایی را آماج قرار داده است، از دیگر علا عم بارز هراس حکومت از یک جنبش بزرگتر است. جنبشی که همه شرایط و زمینه های آن بیش از یک سال پیش است و کرونا وقوع آن را دچار وقفه نموده ست. حکومت با این بازداشتهای می خواهد عناصر مبارز و آگاه دینفوذ در جامعه را که از نقش آفرینی آنها در تحولات پیش رو ترس دارد را در بند نگاه دارد تا مانع بر سر تحولات ایجاد کند.

با این همه هیچکدام از این اعمال سرکوبگرانه در شرایط نارضایتی شدید توده های مردم نمی تواند مانع از خلق جنبشهای اجتماعی تازه و نیرومندتر شود. با دستگیر هر فعال سیاسی و مدنی چند تن دیگر که در بستر مبارزات مردم پرورش یافته اند جای آنها را می گیرند و راه آنان را پی می گیرند. صدها فعال و رهبر کارگری سرشناس تا کنون اخراج و زندانی شده اند، اما هر بار عده ای تازه نفس جای آنها را گرفته اند. جنبش های اجتماعی فعالان و



رهبران خود را خلق و پرورش می دهند و خواهند داد. هیچ جنبش ریشه دارای را در هیچ کجای دنیا با سرکوب برای همیشه کسی نتوانسته و نمی تواند از میان بردارد. جای دور نرویم، به تجربه کشور خودمان اگر نظر کنیم می بینیم که سرکوب جنبش ۸۸ باعث جلوگیری از جنبشهای بعدی که نشد هیچ، به رادیکالیزه شدن آنها منتهی شده است. تسلیم در مقابل خواست مردم یگانه راهی است که مقابل رژیم های فاسد و استبدادی وجود دارد. تا زمانی که این گونه رژیمها وجود دارد جنبشها هم وجود خواهند داشت. نام و یاد خیزش آبان ۹۸ و جوانان عدالتخواهی که جان بر سر آن نهادند تا ریشه استبداد کهن را از این بوم و بر بکنند و آزادی و عدالت اجتماعی را بر جای آن بکارند چون برگی زرین و افتخار آمیز در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم این سرزمین ثبت و ماندگار خواهد شد و مبارزات مردم برای رهایی زندانیان سیاسی پر قدرت تر از پیش جریان خواهد یافت.



**به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!**



## سازمان انرژی اتمی ماسک تولید می‌کند!

مراد رضایی



از همان سال ۵۷، زمانی که صادق قطب‌زاده رئیس صدا و سیما بود و قاسم افشار و محمدرضا حیاتی، با عصاهایی که لابد پیش از اعلام اخبار قورت داده بودند، در تلوزیون خبر می‌خواندند، تا همین امروز صدا و سیمای جمهوری اسلامی یکی از ایدئولوژیک‌ترین نهادهای حکومت بوده است. نهادی که از همان ابتدا حتی صادق قطب‌زاده‌ی عاشق ولایت را هم تحمل نکرد و زمینه‌ساز وضعیتی شد تا این فرزند شیفته‌ی انقلاب، بلعیده شود!

صدا و سیما در چهل و چند سال گذشته، و به فراخور موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بارها رنگ و لعاب عوض کرده است، اما خصلت و کار-ویژه‌ی واحد آن، همیشه ثابت بوده است. از دوره‌ی مجری‌های ریشو، که در آخر هر جمله صلوات ختم می‌کردند تا مجری‌های خوشتیپ امروزی شبکه‌ی نسیم که شلوار قرمز می‌پوشند و برای باوراندن شادی دروغینشان بالا و پایین می‌پرند، همه و همه پیمانکاران هدف واحدی بوده‌اند: دروغ‌گویی و پروپاگاندا برای قدرتمند و با ثبات نشان دادن نظام اسلامی.

در دوران جنگ شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که اخبار تلوزیون در مورد جنگ اکیداً دروغ و وارونه است. پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تمام عملیات‌های نظامی جمهوری اسلامی، به سرکردگی سپاه، به دلیل وجود مافیا در سیستم نظامی و همچنین سوت‌دبیر فرماندهان سپاه، با شکست مواجه شده بود و جوانان کشور در خط مقدم جبهه، گروه‌گروه پریپ می‌شدند. اما در اخبار صداوسیما وضع جنگ چنان بود که گویی ایران روزی چند بار عراق را می‌گیرد و آزاد می‌کند. شانناژ و دروغ در دوران پساجنگ هم در بخش‌های خبری صداوسیما رواج داشت. روزی چند سد و جاده و بیمارستان در اخبار تلوزیون افتتاح می‌شد و به بهره‌برداری می‌رسید، اما در واقعیت خبری نبود.



موضوع این مطلب، البته نقد سیاست‌های صداوسیما به عنوان یکی از ابزارهای سرکوب نیست. غرض اشاره به رواج دروغ در این نهاد در ظاهر رسانه‌ای و در باطن امنیتی است. با تشدید بحران اقتصادی در ماه‌های اخیر، صداوسیما همچنان دروغ می‌گوید، اما اینبار خبری از تولید توپ و تفنگ و احداث سد و تونل و جاده نیست.

برای نمونه، به خبرهای مهم بخش‌های خبری تلوزیون در روز ۸ آبان اشاره می‌کنم. با توجه به افزایش یکباره‌ی قیمت روغن نباتی، کمبود این کالای مصرفی در بازار و در نهایت شکل‌گرفتن صف‌های طولانی خرید روغن در شهرهای مختلف، «تامین شدن مواد اولیه‌ی تولید روغن در کارخانه‌های تولید روغن نباتی» به خبر مهم تلوزیون تبدیل شده بود. شبکه‌های مختلف تلوزیون جمهوری اسلامی، افرادی را به عنوان خبرنگار به کارخانجات تولید روغن نباتی گسیل کرده بودند تا قسم بخورند که فلان میزان تن مواد اولیه روغن نباتی از بندرعباس رسیده است و تولید جریان دارد! این یک نمونه‌ی استثنایی و منحصر و به فرد نیست. خبرهای تامین قند و شکر و روغن و گوشت در بازار، این روزها به صورت مداوم در صدر خبرهای تلوزیون هستند. بحران اقتصادی به مرحله‌ای رسیده است که حکومت به جای پروپاگاندا در مورد افتتاح زیرساخت‌های شهری و احیاناً ادوات نظامی، پز رسیدن قند و شکر را در تلوزیون می‌دهد. هرچند همان اندازه که اخبار پیروزی‌های ایران در جنگ با عراق حقیقت داشت، این خبرها هم حقیقت دارند. مردم میزان وجود مواد مصرفی در بازار را نه از قاب دوربین شبکه‌های تلوزیونی که از کف بازار کنترل می‌کنند. رشد نفوذ شبکه‌های اجتماعی هم باعث شده است حنای صداوسیما کم‌رنگ‌تر از همیشه باشد.

یکی از خبرهای جالب تلوزیون در هشتم آبان، خبر «گزارش اداره کل دیپلماسی عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان انرژی اتمی» بود. شاید فکر کنید این گزارش ارتباطی با برجام و یا تولید انرژی هسته‌ای داشته است. اما چنین نیست! این گزارش، خبر از احداث خط تولید اتوماتیک ماسک سه لایه، توسط سازمان انرژی اتمی را می‌داد. مجری خبر، در تمام بخش‌های خبری هنگام خواندن این خبر، با افتخار و غرور ویژه‌ی مجریان تلوزیون، توضیح می‌داد که این خط تولید می‌تواند در دقیقه ۸۰ ماسک تولید کند.

از آغاز شیوع کرونا در ایران، گزارشات مختلفی از تلوزیون در مورد تولید ماسک منتشر شده است: تولید ماسک توسط سپاه، تولید ماسک توسط ایران خودرو، تولید ماسک در مساجد محل و حالا هم تولید ماسک در سازمان انرژی اتمی. علی‌اکبر صالحی معاون رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهور ظاهراً دائماً سازمان انرژی اتمی، برای این خط تولید ماسک مراسمی ترتیب داده بود تا سعادت قیچی کردن روبان افتتاح این واحد تولیدی هم به خودش برسد. هر چند با حساب و کتاب خود اداره کل دیپلماسی عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان انرژی اتمی در مورد ظرفیت این کارگاه، این مجموعه به فرض کار ۲۴ ساعت حداکثر خواهد توانست ۱۱۵ هزار ماسک در روز تولید کند و به فرض غیر قابل استفاده شدن ماسک‌های یکبار مصرف پس از چند ساعت استفاده، با توجه به جمعیت حدود ۸۰ میلیون نفری ایران، این واحد عملاً چیزی تولید نمی‌کند.

سازمان انرژی اتمی، که حالا به تولید ماسک افتخار می‌کند، در مرکز گره‌ی‌ترین موضوع منجر به تحریم و بروز بحران اقتصادی قرار گرفته است. زمانی که شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» از گلو تمام تریبون‌های حکومت سر داده می‌شد، کسی فکرش را نمی‌کرد کار این سازمان به اینجا برسد. حالا حدود یک سال است که ایران گام آخر لغو تعهدات برجام را هم برداشته است. اما در عمل تغییری در وضعیت تولید انرژی هسته‌ای رخ نداده است.



نزول سطح پروپاگاندای جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که اوضاع اقتصادی به قدری آشفته است که حتی دروغ‌گوهای حرفه‌ای هم نمی‌توانند در موردش داستان بگویند. خانه از پای‌بست ویران است و حتی امیدوار به حکومت‌ترین نیروهای سیاسی هم دیگر رمقی برای دفاع از وضعیت موجود ندارند.

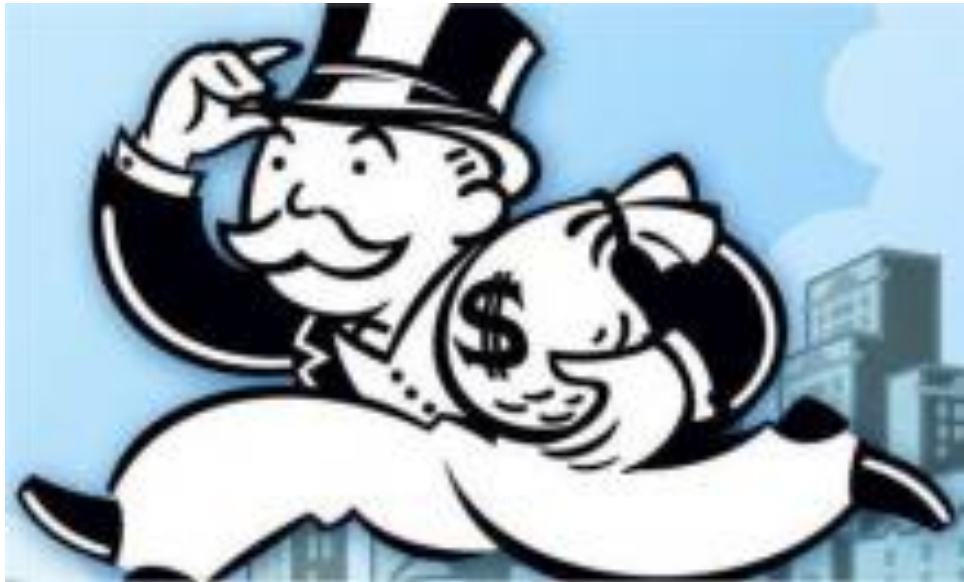


## بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران



## اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش ششم

آدام بوث



## کارآفرینان خرد یا کارگران دیمی

دوشادوش و همسان اقتصاد "شراکتی"، اقتصاد "طبق درخواست" نیز سر برآورده است. تمرکز این قبیل خدمات طبق درخواست ظاهراً و بسیار بیشتر از هر چیز دیگر، بر منافع مصرف کننده است، توأم با تحسین شوق زده ای از "عجایی" از این دست که افراد قادر اند خدمتکار ارزانی را برای نظافت آپارتمان شان برای چند ساعت "استخدام" کنند یا ساعت ۲ بعدازنیمه شب تاکسی ارزانی را، فقط با لمس یک دکمه ای فون شان سفارش دهند. از این زاویه هیچ چیز انقلابی ای در اقتصاد "طبق درخواست" وجود ندارد و در واقع چیزی بیشتر از صورت آرایش شده "کتاب زرد" (کتاب قطوری با برگهای زرد، حاوی شماره تلفن شرکتها و کسب و کارهای مختلف با خدماتی که هر یک عرضه می کردند)، نیست. تفاوت این است که در دنیای اقتصاد طبق درخواست، یک شغل یا یک کسب می تواند هر کسی یا هر چیزی باشد: حتی یک شخص منفرد، که خدمت معین، یا مجموعه متنوعی از خدمات را عرضه می کند. به این ترتیب، مصرف کننده می تواند از طریق شرکتهائی مثل "خرگوش وظیفه شناس" (TaskRabbit) هر خدمت متصور را از "وظیفه شناسان" پرشماری درخواست کند، که برای عرضه زمان و مهارت خاصی نزد این شرکت ثبت نام کرده اند.

در این میان "سرمایه داران آزادیخواه" به ستایش فوق اغراق آمیز مزایای اقتصاد طبق درخواست برای "کارآفرینان" آن برخاسته اند. به ما گفته می شود که اقتصاد طبق درخواست (که همچنین اقتصاد فرفره هم نامیده می شود)، به نسل جدید امکان می دهد که سنت روز کاری از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر را بشکند و غل و زنجیر استخدام نزد فقط یک کارفرما را بگسلد. کارگران جوان خواهان "آزادی" اند! ببینید: آزادی انتخاب این که کی می خواهی کار کنی، چه کار کنی. ما دیگر مجبور نیستیم به یک شغل محدود شویم، مجبور باشیم هر روز و هر ساعت وظایف یکنواختی را انجام دهیم. کارگر مدرن امروزی می تواند همه فن حریف باشد، خودش را به عنوان یک فرد شکوفا کند و پیگیر چیزی باشد که برایش شوق و ذوق دارد.



گفته می شود که این کارگران "آزاد" نیروی محرکه پشت اقتصاد طبق درخواست اند: "کارآفرینان خردی که سرمایه داری را با اتکا به خلاقیتها و استعدادهایشان به پیش می رانند. زیبایی اقتصاد طبق درخواست این است که دیگر هر کسی می تواند کسب و کار خود را آغاز کند، رئیس خودش باشد، و انسان خودساخته ای باشد".

اما در این مورد نیز باز شکاف عمیقی بین وعده و واقعیت وجود دارد. چنان که نیویورک تایمز در مقاله ای با عنوان "در اقتصاد طبق درخواست کارگران هم آزاد اند و هم نامطمئن"، می نویسد:

... اما در اقتصادی با میزان بالای بیکاری، کارگران طبق درخواست به مراتب بیشتر از آن که کارآفرینان خرد باشند، "دستمزد خرد بگیران" اند. آنها غالباً هفت روز در هفته کار می کنند، و مدام در تقلائی کسب درآمدی بخورونمیر با انجام مجموعه ای از کارهای خرد و ریز اند. این کارگران، وقتی شرکتی که انجام خدماتی را به آنها می سپرند، مدل کسب و کارشان را عوض می کنند، یا دستمزدها را کاهش می دهند، فاقد منبعی برای گذران به امان خدا می مانند. برای کاهش این ریسک است که آنها به عرضه ترکیبی از خدمات متوسل می شوند.

از این رو، این کارگران - بس به دور از توانمندی ادعائی حاصل اقتصاد طبق درخواست - مجبور اند که به "کار آزاد" روی آورند، زیرا بحران سرمایه داری و فقدان امکان مشاغل باثبات قدرت را از آنان سلب کرده است. این "وظیفه شناسان خویش فرما" مطلقاً تجلی یک ارتش کارآفرینان مشتاق نیستند، بلکه در واقع درست نقطه مقابل آن اند: نامطمئن ترین لایه طبقه کارگر، که هنوز مجبور به فروش نیروی کار خویش است، زیرا این به واقع تنها کالائی است که از آن آنهاست.

تفاوت در این است که چنین کارگرانی مجبور اند نیروی کارشان را در اندازه های کوچک و کوچکتر، بدون هرگونه اطمینان و امنیت شغلی، بدون تضمین یک قرارداد و درآمدی کافی درخور یک زندگی انسانی، بفروشند. شرکتی مثل "خرگوش وظیفه شناس" - چنان که نشریه جاکوبین به طنز می نویسد - همانا یک "آژانس کاریابی موقت تکریم شده است."



**خصوصی سازی را متوقف کنید!**





## مارکس در باره اتحادیه های کارگری



## گذشته

سرمایه همانا نیروی اجتماعی متمرکز است، در حالی که کارگران فقط نیازمند آن اند که به نیروی کار خود مختار باشند. بنابراین قرارداد بین سرمایه و کار هرگز نمی تواند متکی بر شرایطی منصفانه باشد؛ منصفانه حتی به معنای جامعه ای که مالکیت وسایل مادی زندگی و کار را در یک طرف و انرژی های حیاتی مولد را در طرف مقابل قرار دهد. یگانه قدرت اجتماعی کارگران تعداد آنهاست. اما نیروی اعداد در اثر پراکندگی شکسته می شود. پراکندگی کارگران هم در اثر رقابت اجتناب ناپذیر در میان خود آنان ایجاد و ماندگار می شود.

اتحادیه های کارگری در اساس ماحصل تلاش خودجوش کارگران برای زدودن یا دست کم مهار رقابت درونی شان برای غلبه بر آن شرایط نامنصفانه اند، تا یک قرارداد بتواند آنان را در جایگاهی فراتر از یک برده صرف قرار دهد. از این رو، هدف بلافصل اتحادیه های کارگری محدود به حوائج روزانه، چاره جوئی برای پیشگیری از تجاوزات بیوقفه سرمایه، و در یک کلام، مسئله دستمزد و ساعات کار بود. این فعالیت اتحادیه های کارگری نه تنها مشروع بلکه لازم است. مادام که نظام تولید همین است که هست، نباید از این فعالیت منصرف شد. برعکس، باید آن را با شکل دادن به اتحادیه ها در تمام کشورها و مرتبط کردن آنها به هم، تعمیم داد. از سوی دیگر، اتحادیه های کارگری ناآگاهانه، مراکزی را برای سازمانیابی طبقه کارگر شکل دادند؛ به همان گونه که شهرداریها و کمونها در قرون وسطی طبقه متوسط را متشکل کردند. ممکن است اتحادیه های کارگری برای جنگهای چریکی بین سرمایه و کار لازم آیند، اما به مراتب بیشتر از این به عنوان آژانسهای سازمانیافته ای برای لغو نظام موجود کار مزدی و قوانین سرمایه داری دارای اهمیت اند.



## اکنون

اتحادیه های کارگری، با روی آوردن منحصر به مبارزات محلی و فوری با سرمایه، هنوز قدرت عمل خود را در برابر سیستم برده داری مزدی کاملاً درک نکرده اند. از این رو آنها بیش از حد از جنبشهای اجتماعی و سیاسی عمومی کناره گرفته اند. البته به نظر می رسد که در این اواخر، به درجاتی به رسالت تاریخی شان پی برده اند. چنین به نظر می رسد، مثلاً از مشارکت آنان در جنبش اجتماعی انگلستان، از بسط دیدگاه هاشان نسبت به عملکرد اتحادیه ها در امریکا، و از مصوبه اخیر کنفرانس بزرگ نمایندگان اتحادیه ها در شفیلد، که در آن آمده است: "این کنفرانس با ارجحاری کامل به کوششهای انترناسیونال (منظور همان انترناسیونال اول است) برای اتحاد کارگران همه کشورها در یک اتحادیه مشترک برادری، مجدانه به انجمن های متبوع توصیه می کند که به عضویت در این نهاد در آیند، و معتقد اند که این امر برای پیشرفت و شکوفایی کل جامعه کارگری ضرور است".

## آینده

اکنون اتحادیه های کارگری باید بیاموزند که، سوای اهداف اولیه شان، آگاهانه به عنوان مراکز سازماندهی طبقه کارگر در جهت منافع گسترده ناظر بر رهائی کامل این طبقه عمل کنند. آنها باید از هر جنبش اجتماعی و سیاسی موجود در این راستا حمایت کنند. اتحادیه ها، با توجه به رسالت و فعالیت شان به عنوان قهرمانان و نمایندگان کل طبقه کارگر، نمی توانند در جذب کارگران سازمان نیافته به صفوف خود قصور کنند. آنها باید مجدانه از منافع کارگرانی که از کمترین دستمزدها برخوردارند - مانند کارگران کشاورزی، که بنا به شرایطی استثنایی از قدرت سازمانیابی بازمانده اند - دفاع کنند. آنها، بس به دور از کوتاه بینی و خودخواهی، باید جهان را در تمام وسعت آن متقاعد کنند که کوشش شان متوجه رهائی میلیونها انسان ستمدیده است.



# زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## بازداشت شماری از رهبران کارگران هفت تپه

اعتراضات زنجیره‌ای کارگران هفت تپه در این هفته نیز ادامه یافت. کارگران در پی طفره رفتن مسئولین از انجام تعهداتشان مبنی بر پذیرش بازگرداندن هفت تپه به دولت، آزادی و بازگشت بکار شماری از کارگران اخراجی بسر کار و اخراج مدیران بازنشسته و عوامل اسد بیگی در شرکت به تنگ آمده‌اند، در ۸ آبان مدیر عامل تام الاختیار موقت و یکی دیگر از عوامل اسد بیگی مالک شرکت را از کارخانه بیرون راندند. به دنبال این اقدام کارگران و آغاز دور تازه‌ای از مبارزه یگان ویژه برای سرکوب کارگران حق طلب که تنها خواسته شان اجرای توافق مسئولین با کارگران بود وارد شرکت شدند و متعاقب آن در صبح ۹ آبان شماری از رهبران اعتصاب با یورش ماموران به خانه هایشان بازداشت شدند. بنا به گزارش کانال تلگرامی مستقل هفت تپه، یوسف بهمنی، حمید ممبینی ابراهیم عباسی، در این بازداشت شده‌اند. اسماعیل بخشی از رهبران اصلی اعتصابات پیشین که از کار نیز اخراج و متحمل زندان و شکنجه شده است در کانال تلگرامی اش خبر از بازداشت مسعود حیوری در یورش ۹ بهمن به خانه های کارگران داده است. طبق خبری که چند روز پیش خبرگزاری ایلنا منتشر کرد، دولت حاضر به پذیرش خلع ید از امید اسدبیگی نیست.

## ادامه اعتراضات کارگران برفاب

اعتراض کارگران برفاب که از اول آبان برای بازگشت به کار و یک رشته مطالبات صنفی دیگر شروع شد همچنان ادامه دارد. بازگشت به کار، پرداخت طلب مزدی پرداخت نشده، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل خواسته‌هایی هستند که کارگران به خاطر آنها به اعتراض برخاسته‌اند. افزون بر اینها بین کارگران اخراج شده با مدیریت بر سر میزان حق سنوات نیز اختلاف نظر وجود دارد. کارگران با اشاره به ماده ۲۰ قانون کار خواهان ۴۵ روز حق سنوات بابت هر سال سابقه کارشان در صورت قطعی شدن اخراج شان هستند. کارفرما ظاهراً مایل به پرداخت این مبلغ و اجرای همین قانون ظالمانه که در زمان روحانی به نفع کارفرمایان تعدیل و حق اخراج بی قید و شرط را به کارفرمایان داده است نیست! گفتنی است که در ماده ۲۷ قانون کار حق اخراج توسط کارفرما به هر



دلیلی مشروط به تائید تشکل های محل کار شده بود و در صورت تائید نشدن اخراج توسط تشکل کارفرما حق اخراج بی دلیل کارگر را نداشت و حق سنوات ۲ ماه بابت هر سال سابقه کار بایست پرداخت می شد.

### اعتراض معلمان دارای قرار موقت در چند شهر

معلمان غیر رسمی که با قرارداد موقت کار می کنند و فاقد امنیت شغلی هستند در ۵ و ۶ آبان برای چندمین دفعه در چند شهر با برگزاری تجمعات اعتراضی ناراضیاتی شدیدشان از شرایط شغلی، دستمزد و مشکلات بیمه ای شان را به نمایش گذاشتند. معلمان خواهان استخدام رسمی و پرداخت حقوق و مزایای شغلی به مانند معلمان رسمی شدند. دور جدید تجمعات اعتراضی معلمان دارای قرارداد موقت با خواست امنیت شغلی که از روز دوشنبه در چند استان آغاز شده است، سه شنبه ۶ آبان نیز ادامه یافت. معلمان در هر دو روز با تجمع مقابل استانداری و دفاتر کل آموزش و پرورش خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود شدند. در ۵ آبان مربیان پیش دبستانی در شهرهای ارومیه، اهواز و گرگان تجمع و راهپیمایی کردند و در ۶ آبان در یزد. افزون بر آنها معلمان نهضت سواد آموزی نیز که وضعیت استخدامی نا مشخصی دارند در دزفول مقابل دفتر نماینده مجلس. اداره آموزش و پرورش در شرایطی از استخدام ۶۰ هزار معلم قراردادی طفره می رود که گفته می شود به ۲۰۰ هزار معلم تازه نیاز دارد. علت استخدام نکردن معلمان قراردادی در واقع بخاطر دستمزدهای کمی است که دولت به آنها می دهد و به واقع آنها را بطور مضاعف استثمار می کند. افزون بر آن معلمان موقت از مزایای مزدی و شغلی معلمان رسمی محروم هستند. حتا معلمان رسمی نیز از حقوق اندک خودشان به شدت ناراضی هستند و سالهاست که برای افزایش حقوق شان مبارزه پر هزینه ای را در پیش گرفته اند. با این اوصاف معلمان موقت تنها با ادامه و گسترش مبارزه است که می توانند دولت را وادار به پذیر مطالبات بر حق شان نمایند. تشکلهای معلمان نیز به رغم تفاوت های مطالباتی با معلمان موقت حتما در این راه به آنها کمک خواهند کرد.

### حمله وحشیانه نیروهای سرکوب به تجمع مسالمت آمیز بازنشستگان شرکت نفت

نیروهای سرکوبگر حکومت در ۵ آبان با یورش وحشیانه به بازنشستگان شرکت نفت که برای پرداخت حق و حقوق قانونی پرداخت نشده شان در مقابل ساختمان شرکت نفت تجمع کرده بودند عده ای از آنها را مجروح کردند. گفتنی است که علاوه بر بازنشستگان ایثارگران شرکت نفت هم که مزایای شغلی شان را از چند ماه پیش تا کنون قطع کرده اند در این تجمع که چند روز پیش از یورش سرکوبگران شروع شد شرکت داشتند. حتا آنها نیز در این یورش از ضرب و شتم پاسداران صاحبان قدرت و سرمایه مصون نماندند.

### اعتصاب اتوبوس رانان در بوشهر

اتوبوسرانان بوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان در ۳ آبان دست به اعتصاب زدند. رانندگان که قبل از شروع این اعتصاب بارها بخاطر پرداخت نشدن دستمزدهای شان تجمع کرده بودند، خواستار پرداخت منظم و به موقع دستمزد شان شدند. آنها که از خلف و عده های پیاپی مسئولین به خشم آمده اند گفته اند تا خواسته هایشان را ندهند به اعتصاب شان ادامه خواهند داد.

### تجمع کارگران شرکتی و قراردادی بخش بهداشت مقابل مجلس

جمعی از کارگران و کارکنان شرکتی و قراردادی موسسات درمانی که از استخدام موقت و شرکتی و رفتار صاحبان این شرکتها به ستوه آمده اند، در ۵ آبان مقابل مجلس تجمع و خواستار پایان دادن به کار قراردادی و شرکتی و استخدام مستقیم توسط مراکز درمانی که در آنها کار می کنند شدند. گفتنی است که پرستاران شرکتی به دفعات نسبت به رفتار استثمارگرانه شرکتهایی که آنها را با دستمزد ناچیز استخدام موقت می کنند و با گرفتن حق دلالی در



اختیار موسسات درمانی قرار می دهند اعتراض کرده‌اند ولی مسئولین دولتی به اعتراضات و مطالبات آنها تا کنون توجهی نکرده‌اند.

### تجمع رانندگان و کارگران شهرداری در اهواز

رانندگان خدمات موتوری و کارگران شهرداری اهواز در ۶ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. معترضین در تجمع شان خواهان پرداخت منظم و به موقع دستمزد و بدهی مزدی شهرداری شدند.

### تجمع کارگران آبدار در گهگیلویه و بویر احمد

۲۵۰ کارگر آبدار در گهگیلویه و بویر احمد ۵ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و سایر مزایای شان طی ۶ ماه گذشته تجمع و خواستار پرداخت طلب مزدی شان و پرداخت به موقع و منظم دستمزد و مزایای شان شدند. با وجود اینکه کارگران گفته‌اند خانواده هایشان از لحاظ معیشتی بخاطر پرداخت نشدن دستمزدهای اندکشان به شدت تحت فشار قرار دارند، ولی هنوز مسئولین ذیربط اقدامی برای پرداخت طلب کارگران انجام نداده‌اند.

### اولتیماتوم ۳ روزه کارگران انبیه فنی راه آهن به کارفرما

به گزارش خبرگزاری ایلنا کارگران انبیه فنی تراورس به کارفرمای خود که یک شرکت پیمانکاری است برای پرداخت کامل دستمزدهای پرداخت نشده شان اولتیماتوم ۳ روزه تعیین کرده‌اند. کارگران انبیه فنی طی ماه های اخیر در چندین منطقه در اعتراض به وضعیت شغلی، ناچیز بودن دستمزد، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و پاره‌ای مطالبات صنفی دیگر اعتراض و اعتصاب کرده‌اند و تا حدودی موفق شده‌اند در اثر حرکت جمعی به بخشی از مطالبات شان برسند. با این همه کارفرما تلاش می کند با ندادن به موقع دستمزد کارگران را تحت فشار قرار دهد.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

**ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان**

**کرونا را تامین کند!**